گزارش

پشت درخواست اعلام نیاز دی و بهمن معادن چه می‌گذرد؛ تدارک زمستان یا بازتوزیع منابع محدود؟

استعلام سوخت در سایه کاهش سهمیه

عاطفه‌علیان
خبرنگار

استعلام نیاز سوخت دی و بهمن معادن در شرایطی مطرح شده که کاهش سهمیه روزانه از نیمه آبان، پیش‌تر در اظهارات رئیس ایمیدرو پیش‌بینی شده بود و مسئولان صمت نیز از احتمال انتقال سهمیه‌های جذب‌نشده میان استان‌ها سخن گفته‌اند. اکنون ابهام اصلی، سرنوشت اطلاعاتی است که معدنکاران ثبت می‌کنند: آیا این داده‌ها تضمین تأمین زمستان می‌شود یا سوختی که امروز به معدن نمی‌رسد، فردا از نیاز آن کسر خواهد شد؟

برای واکاوی این استعلام، باید از یک سابقه کمتر دیده‌شده آغاز کرد. محمدمسعود سمیعی‌نژاد، رئیس هیئت عامل ایمیدرو، در نشست شورای معادن کرمان در ۲۸ مرداد، بنا بر گزارش ایسنا، گفته بود: «از ۱۵ آبان‌ماه، سهمیه روزانه سوخت معادن کاهش می‌یابد». او هم‌زمان از بهره‌برداران خواسته بود ذخایر خود را تکمیل کنند و امکان اجاره مخزن را مطرح کرده بود. بنابراین، نگرانی درباره محدودیت زمستانی پشتوانه‌ای در اظهارات رسمی دارد؛ هرچند این سخنان، به‌تنهایی هدف استعلام مشخص دی و بهمن را روشن نمی‌کند.

نشانه‌های اختلال نیز به پیش‌بینی‌های تابستان محدود نمانده است. سیداحمد مشکانی، نایب‌رئیس انجمن مس ایران، در گفت‌وگویی با خبرگزاری صداوسیما که ۲۴ آبان منتشر شد، از دریافت‌نکردن سوخت به مدت هشت تا ۱۰ روز در برخی معادن خبر داد. به گفته او، سهمیه بعضی واحدها نیز از چهار هزار به دو هزار لیتر کاهش یافته و بهره‌برداران ناچار شده‌اند ماشین‌آلات کمتری را فعال نگه دارند. این روایت، وضعیت تمام معادن کشور را نمایندگی نمی‌کند، اما نشان می‌دهد بحث سهمیه برای بخشی از تولیدکنندگان، هم‌اکنون به مسئله استمرار فعالیت تبدیل شده است. در چنین بستری، برآورد پیشاپیش نیاز زمستان اقدامی قابل توضیح است. سیاست‌گذار باید بداند هر منطقه چه میزان سوخت لازم دارد، چه مقدار ذخیره کرده و انتقال چه حجمی را باید برنامه‌ریزی کند. سمیعی‌نژاد نیز در توضیح برنامه ذخیره‌سازی، محدودیت تأمین گاز و ضرورت سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها را از عوامل اثرگذار بر بخش معدن دانسته بود. برداشت تحلیلی از این شواهد آن است که استعلام می‌تواند بخشی از آماده‌سازی برای دوره فشار بر تأمین و توزیع باشد؛ اما اثبات این رابطه درباره ابلاغیه مورد بحث، به متن همان ابلاغیه نیاز دارد.

پرسش «آیا سوخت ندارند؟» در منابع منتشرشده پاسخ یکدستی ندارد. عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، پنجم آبان نیاز سالانه معادن را حدود ۲.۹ میلیارد لیتر اعلام کرد، درحالی‌که میزان مورد موافقت شرکت ملی پخش حدود ۲.۸ میلیارد لیتر بود. او گفت: «میزان پیش‌بینی‌شده حدود ۱۰۰ میلیون لیتر کمتر از نیاز برآوردی وزارت صمت است». این فاصله، اختلاف میان نیاز اعلامی و سهمیه مورد توافق را نشان می‌دهد؛ برای نتیجه‌گیری درباره کسری فیزیکی گازوئیل در کل کشور، به آمار تولید، مصرف و موجودی نیاز است. شرکت ملی پخش، گلوگاه دیگری را برجسته می‌کند. علی‌اکبر عرب‌عامری، مدیر تأمین و توزیع این شرکت، در اظهارات منتشرشده در سیزدهم آبان، مشکل موجودی انبارها را رد کرد و گفت: «چالش اصلی در بخش ناوگان است». به توضیح او، اولویت سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها و جایگاه‌ها، دسترسی معادن به نفتکش را محدود کرده است. معنای عملی این توضیح آن است که حتی وجود سوخت در انبار، تضمین‌کننده رسیدن به‌موقع آن به معدن نیست؛ ظرفیت حمل و ترتیب اولویت مصرف‌کنندگان نیز تعیین‌کننده است.

آمار جذب سهمیه، فاصله تصمیم تا اجرا را آشکارتر می‌کند. طبق اعلام شرکت ملی پخش، از برنامه ۷۵۰ میلیون لیتری صنایع و معادن، تا مقطع اعلام خبر حدود ۳۵۰ میلیون لیتر جذب شده بود؛ نزدیک به ۴۷ درصد. این نسبت را نمی‌توان «درصد تأمین نیاز معادن» نامید، زیرا رقم اعلام‌شده مشترکا به صنعت و معدن مربوط است و کل نیاز سالانه آنها را نیز دربر نمی‌گیرد. بااین‌حال، فاصله میان رقم برنامه و میزان جذب، پرسشی روشن ایجاد می‌کند: چه مقدار از باقی‌مانده هنوز تقاضا دارد و در کدام مرحله متوقف شده است؟

این همان نقطه‌ای است که استعلام می‌تواند به ابزار بازتوزیع تبدیل شود. حمیدی، مدیرکل بهره‌برداری معادن وزارت صمت، در سخنان منتشرشده از نشست سمنان، درباره جذب‌نشدن سهمیه تا پایان آبان هشدار داده بود: «سایر استان‌ها نیز برای استفاده از ظرفیت باقی‌مانده اعلام نیاز خواهند کرد». بنابراین، امکان انتقال سهمیه در اظهارات مسئولان مطرح شده است. اما میان بازتوزیع سهمیه‌ای که واقعا متقاضی ندارد و انتقال سهمیه‌ای که متقاضی نتوانسته دریافت کند، تفاوت اساسی وجود دارد.

«جذب‌نشدن» لزوما «نیازنداشتن» نیست. حمیدی در مصاحبه نهم آبان، تأخیر ابلاغ و بسته‌شدن سامانه در روز بیست‌وپنجم ماه را از موانع تخصیص عملیاتی عنوان کرده بود. در کنار این مشکل اداری، محدودیت حمل نیز از سوی شرکت پخش پذیرفته شده است. اگر علت دریافت‌نکردن سوخت در اطلاعات ثبت نشود، معدنی که پشت صف تأیید یا حمل مانده، ممکن است در آمار شبیه واحدی دیده شود که سهمیه اضافی دارد. این، خطر قابل بررسی شیوه تخصیص است؛ وقوع آن در استعلام دی و بهمن هنوز اثبات نشده است.

ابهام دیگری هم در عبارت «ذخیره زمستانی» وجود دارد: ذخیره‌سازی همیشه به معنای افزایش خالص سهمیه نیست. در برنامه اعلام‌شده صمت چهارمحال‌وبختیاری در چهاردهم مهر، تحویل پیش‌دستانه به اندازه مصرف یک ماه، از سهمیه جاری نیمه دوم سال پیش‌بینی شده بود. این نمونه استانی نشان می‌دهد ممکن است زمان تحویل جلو بیفتد، بدون آنکه سقف کل افزایش یابد. ازاین‌رو، معدنکار باید بداند سوخت دریافتی برای ذخیره، بعدا از کدام سهمیه کسر می‌شود و آیا نیاز عملیاتی همان دوره همچنان پوشش خواهد داشت. از نظر اقتصادی، الزام به ذخیره‌سازی بخشی از هزینه آمادگی زمستان را نیز به بنگاه منتقل می‌کند: خرید زودتر سوخت، تأمین یا اجاره مخزن و پرداخت هزینه حمل. اگر تخصیص به توان ذخیره‌سازی وابسته شود، واحد برخوردار از نقدینگی و مخزن ممکن است زودتر سهمیه بگیرد، درحالی‌که معدن کوچک‌تر با همان نیاز تولیدی عقب بماند. این پیامد احتمالی باید در طراحی برنامه دیده شود؛ توان انبارکردن، معیار کاملی برای سنجش نیاز تولید نیست.

نگرانی سال آینده از همین‌جا آغاز می‌شود. در چارچوب مقرراتی موجود، اطلاعات تولید و ماشین‌آلات ثبت‌شده در کاداستر، پس از بررسی وزارت صمت، باید برای تخصیص مطابق الگوی مصرف در اختیار سامانه سدف قرار گیرد. بنابراین، کیفیت داده‌های امروز بر تصمیم‌های تخصیصی اثر دارد. با این حال، در منابع بررسی‌شده، سند مشخصی یافت نشد که استعلام دی و بهمن را مستقیما مبنای تعیین سهمیه سال ۱۴۰۶ معرفی کند.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید



عکس: فروغ طاهرخانی، باشگاه خبرنگاران جوان

سهمیه‌بندی نان در دو استان کشور در شرایطی انجام شده که این سهمیه روزانه کمتر از سرانه مصرف است

نان در تنور تورم

شرق: سهمیه‌بندی قیمت نان بدون اطلاع قبلی در دو استان خوزستان و زنجان بحث‌برانگیز شد. بر اساس این طرح، بنا شده است سهمیه هر فرد در ماه حدود هشت کیلوگرم نان با آرد نرخ دولتی دوهزارو ۳۰۰ تومان باشد که در صورت خرید بیش از سقف تعیین‌شده، نان با نرخ آزاد ۱۲هزارو ۶۵۰ تومان محاسبه و مازاد دریافت به حساب دولت واریز شود. این سهمیه‌بندی در شرایطی اجرا می‌شود که دولت مصرف روزانه نان برای هر نفر را فقط حدود ۲۶۶ گرم در نظر گرفته؛ آن‌هم در حالی که وزارت بهداشت سرانه روزانه نان هر ایرانی را حدود ۳۳۳ گرم دانسته است. گذشته از این، با افزایش خیره‌کننده قیمت انواع مواد غذایی، احتمال افزایش مصرف نان در خانوارهای با بنیان اقتصادی ضعیف‌تر وجود دارد.

سهمیه‌بندی در سکوت

سهمیه‌بندی بی‌سروصدای نان در دو استان بحث‌برانگیز شد. در همین زمینه، کیهان از اجرای بدون اطلاع قبلی طرح سهمیه‌بندی نان در دو استان خوزستان و زنجان خبر داده و نوشته است: «بر اساس این طرح، سهمیه هر فرد در ماه حدود هشت کیلوگرم آرد با نرخ دولتی دوهزارو ۳۰۰ تومان است که در صورت خرید بیش از سقف تعیین‌شده، نان با نرخ آزاد ۱۲هزارو ۶۵۰ تومان محاسبه و مازاد دریافت به حساب دولت واریز خواهد شد. با این حساب، پس از اتمام سهمیه، مردم باید نان را به قیمت بیش از تقریبا پنج برابر نرخ فعلی آن خریداری کنند».

این سهمیه‌بندی در شرایطی اجرا می‌شود که دولت مصرف روزانه نان برای هر نفر را فقط حدود ۲۶۶ گرم در نظر گرفته؛ آن‌هم در حالی که وزارت بهداشت سرانه روزانه نان هر ایرانی را حدود ۳۳۳ گرم دانسته است. گذشته از این، با افزایش خیره‌کننده قیمت انواع مواد غذایی، احتمال افزایش مصرف نان در خانوارهای با بنیان اقتصادی ضعیف‌تر وجود دارد و همین موضوع بحث‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت.

خبر سهمیه‌بندی بی‌سروصدای نان در دو استان با واکنش سجاد مقدمی، رئیس اتاق اصناف استان زنجان مواجه شد. او به ایسنا توضیح داده است: «آنچه در زنجان و برخی استان‌های دیگر تحت عنوان تغییر نرخ مطرح شده، به معنای سهمیه‌بندی نان برای خانوارها نیست، بلکه هدف اصلی آن محدودکردن خریدهای حجیم و تجاری و نظارت بر الگوی مصرف نان است».

او در ادامه گفته است: «سامانه نانینو بر اساس الگوی مصرف خریداران عمل می‌کند و این سامانه به جای تعیین یک سقف خرید ثابت و یکسان برای تمام افراد، سابقه و الگوی معمول خرید هر کارت بانکی یا کدملی و همچنین تعداد دفعات مراجعه در طول روز را مورد بررسی قرار می‌دهد. اگر با یک کارت بانکی یا کدملی، در یک نوبت یا طی یک روز، خریدی با حجم بالا و خارج از عرف مصرف خانوار انجام شود، سامانه آن را به‌عنوان خرید نامتعارف شناسایی می‌کند و خرید یک‌جای تعداد زیادی قرص نان یا مراجعه‌های مکرر و خریدهای حجیم در طول روز می‌تواند از مصادیق مصرف تجاری باشد؛ موضوعی که ممکن است به مصرف نان در رستوران‌ها، کارگاه‌ها یا خرید و فروش مجدد آن مربوط شود».

مقدمی درباره نحوه محاسبه نرخ خریدهای غیرمتعارف هم توضیح داده است: «در صورت شناسایی چنین تراکنش‌هایی، نان مازاد یا کل تراکنش، مطابق ضوابط سامانه با نرخ تجاری و آزاد محاسبه می‌شود. همچنین چنانچه نانوایی تراکنش‌ها را به‌صورت صوری یا خارج از ضوابط ثبت کند، با پیامدهایی ازجمله کسر سهمیه آرد و جریمه‌های تعزیراتی مواجه خواهد شد».

علی عیوضی، مدیرکل غله و خدمات بازرگانی استان زنجان نیز توضیح مشابهی به ایرنا داده و گفته است: «قیمت نان در این استان برای مصارف نامتعارف و در حجم بالا با نرخ تجاری محاسبه و اعمال می‌شود و خرید نان معمول شهروندان مشمول افزایش قیمت نخواهد شد». او در ادامه افزوده است: «این شیوه‌نامه از روز یکشنبه هفته جاری ابلاغ و اجرای طرح در نانوایی‌ها و کارخانه‌های آرد به‌روزرسانی و اعمال شده است و جزئیات دقیق آن پس از جمع‌بندی‌های لازم اعلام خواهد شد و مبنای تشخیص مصرف متعارف، عملکرد ثبت‌شده شهروندان در سامانه طی دو سال گذشته خواهد بود. این الگو با توجه به میزان خرید، کدملی و تفاوت شرایط مناطق شهری و روستایی بررسی می‌شود و خریدهایی که از الگوی معمول فراتر برود، مشمول نرخ تجاری می‌شود».

مدیرکل غله و خدمات بازرگانی استان زنجان با بیان اینکه سهم متوسط آرد هر ایرانی حدود هشت کیلوگرم در ماه است، تأکید کرده است: «تعیین یک سقف ثابت برای همه شهروندان، بدون در نظر گرفتن شرایط خانوار و منطقه، دقیق نیست و تشخیص مصرف غیرمتعارف بر اساس اطلاعات سامانه انجام شده و الگوی مصرف کل خانوار در نظر گرفته می‌شود و اگر مجموع خرید اعضای خانواده از میزان متعارف فراتر برود، خرید مازاد با نرخ تجاری محاسبه خواهد شد».

البته وضعیت اجرای این طرح در سایر استان‌ها مبهم است و وحید یزدان‌پرستی، نایب‌رئیس اول اتاق اصناف تهران، به تسنیم گفته است: مقرر شده بود از آبان فروش کیلویی نان در تهران اجرائی شود، اما هنوز اجرا نشده است. در عین حال اجرای این طرح متوقف نشده، اما برای نهایی‌شدن آن همچنان به بررسی‌های کارشناسی و فراهم‌کردن مقدمات نیاز است. او در ادامه گفته است: «جلساتی با مسئولان اتحادیه‌های مرتبط با حوزه نان برگزار می‌کنیم تا موضوعات زیربنایی طرح بررسی و مقدمات لازم برای اجرای آن فراهم شود».

طرح جدید برای قیمت نان در شرایطی است که دولت در بودجه سال ۱۴۰۵ ارز ترجیحی ۲۸هزارو ۵۰۰ تومانی واردات کالاهای اساسی را حذف کرد و از آن سو نرخ خرید تضمینی گندم را به حدود دو برابر رساند. اتفاقی که این گمانه را به وجود آورد که دولت تصمیم دارد بهای نان را آزادسازی کند. با این حال، هم مجلس و هم دولت بارها اعلام کرده‌اند بنا ندارند قیمت نان را افزایش دهند. در عین حال، در ۲۶ بهمن سال گذشته، حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده مجلس، در صحن علنی ساختمان بهارستان گفت: «دوستان، بنده سربسته عرض می‌کنم در مصوباتی که مجلس به صورت کلی داشته است، اختیاراتی به دولت داده‌ایم؛ ازجمله اینکه برق گران شود. نان و سوخت هم به دولت اختیار دادیم که گران کند». همان زمان محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به این تذکر گفت: «ما در اینجا هیچ اختیاری به دولت نداده‌ایم؛ دولت اختیار دارد. اینجا تأکید شده اگر دولت تصمیم به هرگونه تغییر قیمت در این موارد بگیرد که قانون دائم نیز به آن اختیار داده، مکلف است منابع حاصل را به مردم دهد و محل آن معلوم باشد. موضوع نان بسیار مهم است. دولت ۲۷۰ همت در این زمینه پیش‌بینی کرده بود و در مجلس به بیش از ۵۰۰ همت رسیده است». همچنین غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۵، دراین‌باره گفت: «مردم نگران قیمت نان نباشند و خبازی‌ها هم دغدغه گندم نداشته باشند. این ادعا که مجلس تصویب کرده آرد یا گندم گران می‌شود، صحیح نیست. اعداد و جداول بودجه خود گویای واقعیت هستند». توضیحات مجلس اما تکلیف این ابهام را روشن نکرد و از سوی دیگر ادعای قالیباف مبنی بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی کردن منابع آرد و نان در حالی بود که موضوع یارانه از اعتبار ۵۰۴ هزار میلیارد تومانی که برای خرید تضمینی گندم لحاظ شده، متفاوت است.

از آن سو، دولت سال گذشته اعلام کرد بنا دارد قیمت خرید تضمینی گندم از کشاورزان را به حدود دو برابر برساند و انگیزه خود را از این اقدام، تقویت قدرت خرید کشاورزان داخلی دانست و بر اساس این طرح، قیمت خرید تضمینی گندم در فصل به بیش از ۴۵ هزار تومان برای هر کیلوگرم رسید.

وقتی گمرک جای دیپلماسی را می‌گیرد

عصر جرم‌انگاری انرژی ارزان

عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب؛ دبیرخانه پساجنگ و توسعه: در تالارهای خاموشِ تصمیم‌سازی در تهران، هنوز بسیاری بر این پندارند که تحریم، حصاری نفوذناپذیر به دور اقتصاد ایران کشیده است؛ اما در پسِ مرزهای اروپا، توفانی بی‌صدا برخاسته که نه به پشتوانه ناوگان‌های نظامی، که با ابزار «گمرک و ترازنامه» در حال بازنویسی جغرافیای ثروت در جهان است. نام این توفان، «مکانیزم تعدیل مرزی کربن» یا همان CBAM است؛ سازوکاری که از امسال (۲۰۲۶) فاز اجرایی و مالی خود را در مسیری تدریجی تا سال ۲۰۳۴ آغاز کرده و بی‌آنکه نامی از ایران در متن آن باشد، رکِ حیاتیِ مزیت‌های رقابتی ما را نشانه رفته است. سال‌هاست اقتصاد ما، سوزاندنِ ارزانِ ذخایر فسیلی در کوره‌های فولاد، سیمان، آلومینیوم، کودهای نیتروژنی و آمونیاک را «مزیت نسبی» نامیده و به صادرات خام و نیمه‌خامِ متکی بر انرژی یارانه‌ای بالیده است؛ غافل از آنکه جهان واردِ عصری شده که در آن، تولید پرکربن با تکیه بر انرژی ارزان نه‌تنها مزیت نیست، بلکه در پیشخوان تجارت بین‌الملل همچون یک «جرم گمرکی» تاوان پس می‌دهد. تراژدی ماجرا آنجاست که CBAM -چه از مسیر رصد انتشار مستقیم سوخت در صنایع فلزی و چه از طریق محاسبه انتشار غیرمستقیم برق در سیمان و کودها- رانت انرژی یارانه‌ای ایران را که به بهای ناترازی برق و گاز و فرسایش محیط زیست این سرزمین به دست آمده، در گمرک‌های جهان به سود خزانه‌های بیگانه منتقل می‌کند. پندار مصونیت به واسطه عدم صادرات مستقیم به اروپا، سرابی بیش نیست؛ چه آنکه خریداران اصلی ما در آسیا-از چین و هند تا ترکیه و امارات- خود حلقه‌های زنجیره تأمین جهان‌اند و هیچ تولیدکننده‌ای در استانبول یا شانگهای حاضر نخواهد شد شمش فولاد، آلومینیوم یا کود اوره پرکربن ایرانی را بخرد و هزینه سنگین آلایندگی آن را در مرزهای اروپا بپردازد، مگر آنکه این خسارت را با تخفیف‌های تحقیرآمیز از گلوی صادرکننده ایرانی بیرون بکشد. از این تلخ‌تر، «تله مقادیر پیش‌فرض» است. در جهانی که زبان مشترک تجارت، آمارهای دقیق و ممیزی‌شده MRV (سنجش، گزارش‌دهی و راستی‌آزمایی) است، غیبت ایران از نظام‌های معتبر پایش باعث می‌شود حتی اگر صنعتی در این سرزمین بهینه‌سازی کرده باشد، در ترازنامه‌های جهانی به صورت خودکار با بدترین شاخص‌های آلاینده و ضرایب جریمه فزاینده تنبیه شود. حقیقت تکان‌دهنده این است که عضویت یا عدم عضویت در توافق پاریس، دیگر سپری در برابر این موج نیست؛ زیرا قواعد بازی از اتاق‌های دیپلماسی به پیشخوان گمرک‌ها منتقل شده و دامنه آن در سال‌های پیش‌رو به‌سرعت گسترده‌تر خواهد شد؛ روندی که امروز یقه «کربن» را گرفته و فردا شاید به سراغ «ردپای آب» خواهد رفت تا محصولاتی را که به بهای مکیدنِ سفره‌های زیرزمینی در حال فرونشست و تخریب سرزمین‌هایِ خشک تولید می‌شوند، به عنوان کالاهایی ناپایدار از بازارهای جهانی طرد کند. با این همه، در بطن همین قانون سخت‌گیرانه، روزنه‌ای استراتژیک نهفته است. مقررات CBAM به‌صراحت حکم می‌کند اگر بهای آلایندگی پیش‌تر در خاستگاه کالا پرداخت شده باشد، همان میزان از عوارض مرزی مقصد کسر خواهد شد. از همین رو، امروز ایران در برابر یک دوراهی تاریخی ایستاده است: یا باید با راه‌اندازی فوری نظام بومی MRV و «بازار ملی کربن» یا وضع مالیات داخلیِ کربن، این هزینه‌ها را درون مرزهای خود به رسمیت بشناسد تا هم از مالیات مضاعف در گمرک‌های جهان معاف شود و هم سرمایه حاصل را صرف نوسازی صنایع و جبران ناترازی‌های خویش کند، یا نظاره‌گر باشد که چگونه ثروت ناشی از سوخت‌های ارزان ما، به‌جای آبادانی این خاک، خرج سبزترشدن شهرهای دیگران می‌شود.

خبر

یک‌چهارم راه‌های کشور خراب هستند

معاون راهداری سازمان راهداری با بیان اینکه حدود ۲۵ درصد از راه‌های کشور به مرحله خرابی‌های کم، متوسط و شدید رسیده‌اند، گفت: نگهداری ایدئال شبکه راه کشور به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد.

به گزارش مهر، حسن جهانیان، معاون راهداری سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، با اشاره به وضعیت خرابی راه‌های کشور توضیح داد: حدود ۲۵ درصد از راه‌های کشور به مرحله خرابی‌های کم، متوسط و شدید رسیده‌اند، با این حال در سال جاری تمامی نقاط بحرانی شناسایی‌شده رفع شده است. او با یادآوری عملکرد مناسب سال گذشته در زمینه نگهداری راه‌ها، افزود: قیر یکی از اجزای اصلی زنجیره تولید آسفالت است و در کنار مصالح سنگی، کارخانه‌های آسفالت، ماشین‌آلات، عوامل اجرایی، دستگاه‌های نظارتی و مجموعه‌های کنترل کیفیت، نقش مهمی در تعیین کیفیت نهایی راه‌ها دارد. معاون راهداری سازمان راهداری با بیان اینکه قیر از نظر ارزش ریالی حدود ۳۰ درصد هزینه تولید آسفالت را به خود اختصاص می‌دهد، گفت: در سال‌های اخیر، موضوع ارتقای کیفیت قیر مورد توجه قرار گرفته و برگزاری همایش‌های تخصصی نیز در همین راستا انجام می‌شود.

جهانیان ادامه داد: عمر مفید برخی عملیات لکه‌گیری و روکش‌های حفاظتی حدود سه سال است و این اقدامات با هدف حفظ وضعیت راه‌ها تا زمان تأمین اعتبارات کافی برای اجرای عملیات اساسی‌تر انجام می‌شود. معاون راهداری سازمان راهداری در پایان با بیان اینکه نگهداری ایدئال شبکه راه‌های کشور به اعتبارات قابل توجهی نیاز دارد، خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی، برای نگهداری مطلوب و ایدئال شبکه راه‌های کشور حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار مورد نیاز است و هزینه خرابی‌های ایجادشده در این شبکه نیز به حدود ۳۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

سهمیه کارت جایگاه به کارت سوخت افراد اضافه می‌شود

سرپرست وزارت نفت گفت: با جمع‌آوری کارت‌های جایگاه، سهمیه آن به کارت سوخت افراد اضافه می‌شود و درصورت وجود ایراد یا دریافت بازخوردها، به‌تدریج اصلاح می‌شوند. به گزارش ایسنا، حمید بورد، سرپرست وزارت نفت، با بیان اینکه با جمع‌آوری کارت‌های جایگاه، به نوعی سهمیه آن به کارت سوخت افراد اضافه می‌شود، اظهار کرد: این طرح‌ها به‌صورت آزمایشی اجرا می‌شوند و درصورت وجود ایراد یا دریافت بازخوردها، به‌تدریج و قدم‌به‌قدم اصلاح و پیش برده خواهند شد.



او با تأکید بر ضرورت همکاری مردم افزود: مردم اصلا نگران نباشند، ما به بهترین نحو بنزین، گازوئیل و سایر سوخت‌ها را تأمین می‌کنیم، اما لازمه اجرای این طرح‌ها همکاری کامل مردم است. هر طرحی نیز که ایرادی داشته باشد، بازخورد آن را از مردم دریافت می‌کنیم و طبیعتا اصلاح خواهیم کرد.

www.sharghdaily.ir

شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان
Regional Water Company of Esfahan
www.esrw.ir

فراخوان مزایده عمومی
آگهی شرکت در مزایده

شناسه : ۲۳۲۹۹۹۳
نوبت اول

شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان در نظر دارد، مزایده اجاره باغات درمحدوده شهرستان های چادگان (تاسیسات سد زاینده رود) و فریدونشهر برای مدت سه سال ، خود را براساس جدول زیر به انجام رساند، لذا خواهشمند است از تاریخ درج آگهی نسبت به دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) قسمت مزایدات اجاره به آدرس WWW.SETADIRAN.IR اقدام نمایند. شایان ذکر است دریافت اسناد مزایده صرفاً از طریق سامانه ستاد انجام می پذیرد.

ردیف	شرح مزایده	شماره مزایده در سامانه ستاد
۱	اجاره باغات درمحدوده شهرستان های چادگان (تاسیسات سد زاینده رود) و فریدونشهر برای مدت سه سال	۵۰۰۵۰۰۱۲۰۵۰۰۰۰۱

آدرس: اصفهان، روبروی پل خواجو، ابتدای بلوار آئینه خانه، شرکت آب منطقه ای اصفهان، اداره تدارکات وانبارها
تلفن تماس: ۰۳۱۳۶۶۱۵۳۶۰داخلی ۱۱۸۲
آدرس سایت : WWW.ESRW.IR